

دکتر رابرت ای. پترسون، کار نجات بخش مسیح، جلسه ۹، ۳ مقام مسیح، بخش ۳، و نه رویداد نجات بخش مسیح، بخش ۱

رابرت پترسون و تد هیلدبرانت ۲۰۲۴ ©

این دکتر رابرت پترسون در حال تدریس در مورد کارهای نجات بخش مسیح است. این جلسه ۹، سه مقام مسیح، بخش ۳، و ۹ رویداد نجات بخش مسیح، بخش ۱ است.

همانطور که مطالعه خود را در مورد مقام سه گانه مسیح، یا به عبارت دیگر، سه مقام پیامبر، کاهن و پادشاه او به پایان می‌رسانیم، دوست دارم به عبرانیان ۱ پردازیم، که بهترین جایی است که من در این زمینه می‌شناسم، زیرا هر سه مقام را در یک متن فوق‌العاده ترکیب می‌کند.

اما قبل از آن، لطفاً با من دعا کنید. پدر مهربان، از تو سپاسگزاریم که کلام مقدس خود را به ما عطا کردی. از تو سپاسگزاریم که پسر را فرستادی تا ناجی و پروردگار ما باشد. دعا می‌کنیم که ما را به وسیله روح خود برکت دهی تا بتوانیم اراده نیک تو را درک کنیم، ایمان بیاوریم و انجام دهیم، دعا می‌کنیم، از طریق عیسی مسیح، پروردگار ما. آمین.

عبرانیان ۱ در واقع باید در ۲:۴ به پایان برسد. این تقسیم‌بندی فصل‌ها خیلی خوب نیست.

تا ۴ کاربرد فصل ۱ رساله به عبرانیان است. فصل ۱ عمدتاً درباره مقام سلطنتی عیسی، نشستن او به ۲:۱، عنوان پادشاه در دست راست خدا، و استقبال و پرستش او توسط لشکر آسمانی به عنوان خداوند قیام کرده، پیروز، صعود کرده و سپس نشسته است. اما این فصل با مقام نبوت آغاز می‌شود. مدت‌ها پیش، در زمان‌های مختلف و به طرق مختلف، خدا از طریق انبیا با پدران ما سخن گفت، اما در این روزهای آخر، او از طریق پسرش با ما سخن گفته است.

این، وحی عهد عتیق و عهد جدید را در تضاد قرار می‌دهد، و تضادهای زیادی وجود دارد. مدت‌ها پیش، در مقابل این روزهای آخر، خدا با پدران ما سخن گفت، او از طریق پیامبران با ما سخن گفته است، او مدت‌ها پیش با پدران ما سخن گفته است، اما در این روزهای آخر، او از طریق پسرش سخن گفته است. و احتمالاً به همین ترتیب، در بسیاری از مواقع و به طرق مختلف، و توسط پسرش وظیفه مضاعفی را انجام می‌دهد، یعنی وحی عهد جدید، پسر، وحی پسر، پسر است.

بنابراین، این نشان می‌دهد که مسیح پیامبر بزرگ و نهایی است. شما می‌گویید، یک لحظه صبر کنید، پیامبران دیگری هم خواهند آمد. پیامبران دیگری هم بعد از عیسی وجود خواهند داشت.

برای مثال، عهد جدید در نامه‌های پولس از رسولان و انبیای عهد جدید صحبت می‌کند. درست است، اما آنها نمایندگان عیسی هستند. آنها خدمت او هستند که از طریق اعطای روح به رسولان و انبیای عهد جدید توسط او گسترش یافته‌اند.

خوب است که تمایز بین مکاشفه عهد عتیق و عهد جدید را ببینیم، اما نباید وجه اشتراک آنها را از دست بدهیم. مدت‌ها پیش، در زمان‌های بسیار، به طرق مختلف، خدا سخن گفت. در این روزهای آخر، او از طریق پسرش با ما سخن گفته است.

خدا در هر دو عهد، خدای متکلم است. او صلاح دیده است که خود را در کلمات، و البته در اعمال نیز آشکار کند، اما تأکید اینجا بر کلمات است. برخی از یافتن پیامبران شگفت‌زده می‌شوند، و سپس با پیشرفت متن تمایز بزرگ بین مسیح و فرشتگان آشکار می‌شود، و این سؤال پیش می‌آید که پیامبران و فرشتگان چه وجه مشترکی دارند؟ منظور نویسنده از عبرانیان چیست؟ پاسخ این است که هر دو واسطه وحی عهد عتیق هستند.

بنابراین، او نشان می‌دهد که مسیح یک وحی‌کننده‌ی برتر است. قبل از اینکه فراموش کنم، دقیقاً با در نظر گرفتن این موضوع، در عهد عتیق، خدا از پیامبران و فرشتگان برای آشکار کردن خود استفاده می‌کرد. برای مثال، فرشتگان فقط اشاراتی به آن در شریعت هستند، اما دو بار در اعمال رسولان ۷ و یک بار در غلاطیان پولس می‌گوید که شریعت به دست یک واسطه، موسی، با فرشتگان، از طریق فرشتگان به موسی داده شد، ۳.

سنت یهودی نیز همین را می‌گوید، بر اساس اشاراتی به قانون حضور بی‌شمار بی‌شمار بر کوه. بنابراین، از این نظر، آیات ۲ و ۴ کاربردهای فصل ۱ هستند. فصل ۱ این آموزه را ارائه می‌دهد که پسر برتر از واسطه‌های عهد عتیق است، و سپس آیات ۲ و ۴ می‌گویند، بنابراین، ما باید به آنچه شنیده‌ایم توجه بیشتری داشته باشیم، مبادا از آن منحرف شویم. اولین بخش از متون هشدار دهنده معروف عبرانیان.

زیرا از آنجایی که پیام اعلام شده توسط فرشتگان، که همان قانون، خلاصه وحی عهد عتیق است، قابل اعتماد بودن خود را ثابت کرده است، و هر تخلف یا نافرمانی مجازات عادلانه‌ای را دریافت می‌کند، چگونه می‌توانیم از آن فرار کنیم؟ اگر چنین نجات بزرگی را نادیده بگیریم، ابتدا توسط خداوند، به طور واضح منظور عیسی، اعلام شد و توسط کسانی که شنیدند برای ما تأیید شد، در حالی که خدا نیز با آیات و شگفتی‌ها و معجزات مختلف و با هدایای روح القدس که طبق اراده او توزیع می‌شود، شهادت داد. بنابراین، در فصل ۱، عیسی برتر از واسطه‌های وحی عهد عتیق است. او وحی‌کننده بزرگ خداست.

او پیامبر بزرگ است. ۲ و ۴. بنابراین، اگرچه شریعت مهم و وحیانی و بسیار جدی بود، انجیلی که توسط مسیح و رسولانش آورده شده چقدر جدی‌تر است؟ این جریان فکری است و در درون آن جریان فکری، مقام نبوت مسیح را در دو آیه اول می‌بینیم. فقط یک بار به مقام او اشاره شده است که در واقع از فصل ۷، در واقع ۷ تا ۱۰، آغاز می‌شود، اما این اشاره شگفت‌انگیز است.

پس از اینکه گفته می‌شود در این روزهای آخر، خدا به وسیله پسرش با ما سخن گفته است، می‌گوید که او را وارث همه چیز قرار داده است. مسیح پایان است. همه چیز در پایان به سوی او خواهد رفت.

که به واسطه او جهان را نیز آفرید. پسر آغاز است. او نماینده پدر در خلقت است، همانطور که در یوحنا ۱ و کولسیان ۱ آمده است. پسر، درخشش جلال خدا و مظهر دقیق ذات اوست و او با کلام قدرت خود، جهان را حفظ می‌کند.

پس از تطهیر گناهان، در دست راست کبریایی در اعلی‌علین نشست. مقام کاهنی در میانه آیه ۳ وجود دارد. اما می‌خواهم در مورد این دو عبارت زیبا توضیح دهم. پسر، درخشش جلال خدا و مظهر دقیق ذات اوست.

این دو استعاره وجود دارد: اولی از خورشید و پرتوهای آن گرفته شده است، دومی از ضرب سکه گرفته شده است، و ضرب سکه در قرن اول. هر یک از این استعاره‌ها سه چیز را بیان می‌کنند که مهم‌ترین آنها در این

زمینه این است که پسر، پسر خدا، آشکارکننده خداست. از خورشید در آسمان به عنوان جلال خدا یاد می‌شود، و مسیح، پسر خدا، پسر خدا، درخشش خورشید یا جلال خدا نامیده می‌شود.

حال، درخشندگی همان است: آیا خورشید، خورشید، در فضا امتداد یافته است؟ این خورشید آشکار شده است. به زبان آبی کلیسا و نیقیه، شورای نیقیه، از همان جنس است، از همان ماهیت است. این یک هموسیوس، همسانی خورشید در آسمان است.

یعنی، درخشش، تابش خورشید است. مسیح، درخشش یا تالو نامیده می‌شود، کلمه‌ای که دیگر استفاده نمی‌کنیم، درخشش فراتر از آن خورشید. بنابراین، اول از همه، برابری بین خورشید و پرتو، بین پدر و پسر خدا و پسر خدا.

دوم اینکه، این درخشندگی، خود خورشید نیست، بلکه خورشیدی است که تجلی یافته است. از این رو، بین این دو تمایز وجود دارد. اما عمدتاً در متن، ما از خورشید بزرگ یاد می‌گیریم، و حتی گذشتگان می‌دانستند که نمی‌توانید به آن خیره شوید، چشمانتان آسیب می‌بیند، درست است؟ از پرتوهایی که به ما می‌رسند، در متن، آیات ۱ و ۲، و تضاد بین واسطه‌های عهد عتیق و عهد عتیق، جمع، و واسطه بزرگ مکاشفه در عهد جدید مفرد، مسیح، این تصویر، درخشندگی جلال نامرئی خدا، خورشید را به عنوان آشکارکننده خدا معرفی می‌کند.

برابر با خدا، متمایز از خدا، اما ایده اصلی در این متن، آشکارکننده خداست. در مورد این استعاره نیز به همین شکل. او دقیقاً نمونه ارتداد، طبیعت، ذات و وجود ذاتی خداست.

این از ضرب سکه‌ها گرفته شده است، و ما آن را از کلمه "نقش دقیق" می‌شناسیم. گذشتگان یک فلز نرم را برمی‌داشتند، آن را در چیزی که ما آن را قالب می‌نامیم قرار می‌دادند، با چکش به آن ضربه می‌زدند و با این کار سکه ساخته می‌شد. همین سه اصل در این تصویر نیز بیان شده است.

بنابراین، نویسندگان عبرانیان استعاره را تغییر می‌دهند تا بر همان حقایق تأکید کنند. سکه همان تاس است. شما یک سکه دناریوس از یک تاس دناریوس می‌گیرید.

چیز دیگری متوجه نمی‌شی، درست؟ اما با این حال، اونا متمایزن. این خود قالب نیست. این محصول قالبه.

این سکه است. این سکه‌ای است که از تاس بیرون می‌آید. اما باز هم، در این زمینه، ایده اصلی، آشکارسازی است.

تاس، سکه، تصویر تاس را دارد. در واقع، خداوند عیسی مسیح، خدای مجسم، دقیقاً مظهر ذات خداست. این را نمی‌توان در مورد هیچ کس جز خود خدا گفت.

ما به تصویر خدا آفریده شده‌ایم. ما دقیقاً نمونه‌ی کامل ذات او نیستیم. اگر این در مورد ما صادق بود، ما خدا می‌بودیم، و نیستیم.

اساس وحی کتاب مقدس از فصل اول کتاب مقدس، تمایز خالق-مخلوق است. اکنون، مسیح از این شکاف عبور می‌کند، گویی او خالق است. او در یوحنا ۱، کولسیان ۱، و در اینجا در عبرانیان ۱، نماینده پدر در خلقت است. او به یک مخلوق تبدیل می‌شود.

بنابراین، او خالق-مخلوق، خدا-انسان است. بنابراین آن ایده اصلی در اینجا از طریق سه آیه اول این است که پسر، پیامبر بزرگ، وحی کننده بزرگ خدا، برابر با پدر، متمایز از او، اما آشکار کننده او به جهان است.

سال‌ها، من در یک مدرسه شبانه یک حوزه علمیه تدریس می‌کردم که در آنجا کلاس‌های کتاب مقدس انگلیسی برگزار می‌کردم.

دانشجویان کارشناسی ارشد به کلاس‌های کتاب مقدس انگلیسی نیاز داشتند. من از تدریس الهیات با استفاده از زبان‌های اصلی، به ویژه یونانی عهد جدید، خوشحال بودم، اما این دوره‌ها انگلیسی بودند و من رومیان انجیل یوحنا، رومیان، عبرانیان و اول و دوم پطرس را بارها و بارها تدریس می‌کردم. من آنها را انتخاب کردم زیرا از نظر الهیاتی بسیار غنی هستند و من توانستم زمینه آن کتاب‌ها را خیلی خیلی خوب بشناسم.

من قبل از اینکه به عنوان یک تازه ایماندار شروع به تدریس کنم، به کتاب مقدس اعتقاد داشتم. من به طور ضمنی به آن اعتقاد داشتم و سال‌ها آن را مطالعه کردم. ایمانم تقویت شد، اما در تدریس آن دوره‌ها، ایمانم حتی بیشتر هم شد زیرا متوجه شدم واژگان، موقعیت‌ها، محیط‌ها، مخاطبان و بسیاری چیزهای دیگر متفاوت بودند.

تصویرسازی، اما حقایق به طرز چشمگیری همپوشانی داشتند. نتیجه‌گیری من این بود که اگرچه اینها نویسندگان انسانی با سبک‌ها و تاریخ‌ها و غیره، روش‌های نوشتن و بیان خود هستند، اما همان روحی که از طریق آنها عمل می‌کرد، در آنها جریان داشت. من می‌گویم که همانطور که به یوحنا ۱:۱۸ فکر می‌کنم، هیچ کس هرگز خدا را ندیده است، تنها خدایی که در کنار پدر است، او را شناسانده است.

این پیامی از عبرانیان ۱: ۱ تا ۳ است. خدا پسرش را فرستاده است تا پیامبر بزرگ عهد جدید، پیامبر پیامبران، پیامبر تمام عیار باشد، و بخشی از مقام سه‌گانه او مقام نبوت است. این مقام همچنین مقام کاهنی است و این محور اصلی عبرانیان است، اما نه فصل ۱. ما قبلاً دلیل آن را دیده‌ایم، زیرا او به دنبال نکته اصلی ۲، ۱ تا است، درست است؟ اولین متن هشدار دهنده می‌گوید که از آنجایی که مسیح برتر از واسطه‌های وحی عهد ۴ عتیق، پیامبران و فرشتگان است، پیام او حتی مهم‌تر است، دیگر کلام خدا نیست، بلکه حتی مهم‌تر از پیام آنهاست. نکته او این است که انجیل حتی از شریعت نیز مهم‌تر است، اما همانطور که این فصل را باز می‌کند، در آیه ۳ در وسط می‌گوید، پس از تطهیر گناهان، پسر در دست راست خدا نشست.

این مقدمه‌ای بر مضمون اصلی فصل‌های ۷ تا ۱۰ است، اینکه مسیح هم کاهن است و هم قربانی. او مقام کاهنی را بر عهده دارد. دیروز دیدیم که خدا در واقع در هدف خود برای ادغام هر سه موهبت در پسرش با مشکل مواجه شد.

او یک مشکل قبیله‌ای داشت زیرا کاهنان از یهودا می‌آمدند، پادشاهان معمولی، ببخشید، از یهودا می‌آمدند کاهنان معمولی از لوی از طریق هارون بودند، از این رو ما در مورد کاهنان لوی یا هارونی صحبت می‌کنیم، و شما نمی‌توانید از دو قبیله آمده باشید، و عیسی از یهودا آمد، و از این رو او از تبار سلطنتی است، اما او از لوی یا هارون نیامده بود، شما نمی‌توانید از دو قبیله آمده باشید، بنابراین کاری که خدا انجام داد این بود که یک کهنات کامل دیگر، یک کهنات کوچک اما بسیار مهم، تأسیس کرد. این کهنات فقط دو عضو دارد، مل و عیسی. مل همان ملک‌یصدق، شخصیت عجیب و غریب از پیدایش ۱۴، خواهد بود.

او در گزارش آمده است، ابراهیم را متبرک می‌کند، کاهن خدای متعال است و همزمان پادشاه نیز می‌باشد و از ابراهیم ده یک می‌گیرد. عبرانیان ۷ می‌گوید که کوچکتر به بزرگتر ده یک می‌دهد، و ملک‌یصدق نمونه‌ای از مسیح است که به واسطه نسب‌نامه در رتبه کاهنان ملک‌یصدق قرار دارد، نه به دلیل تبارشناسی، زیرا عیسی از یهودا می‌آید، از طریق مریم نسب می‌برد، از طریق پدرخوانده‌اش یوسف، عنوان رسمی می‌گیرد، اما از طریق سوگند کاهن شد. عبرانیان ۷ نیز به این نکته مهم اشاره می‌کند.

بدون سوگند نیست که این شخص کاهن شده است، زیرا مزمور ۱۱۰ آیه ۴ در مورد آن کسی که می‌آید می‌گوید، تو تا ابد کاهن هستی، نه هارون یا لاوی، که از همان مقام صحبت می‌کنند، بلکه از ملک‌یصداقی عیسی کاهن ملک‌یصداقی است. من هرگز در زندگی‌ام این کلمه را نگفته‌ام، و به همین ترتیب، او گناهان را پاک می‌کند. این بند کوچک آغازین، حقیقت فصل ۱۰ را پیش‌بینی می‌کند، وقتی که در اینجا می‌گوید، پس از پاک کردن گناهان، در دست راست اعلیحضرت نشست، که روشی رایج است، طفره رفتن از نام الهی و تجلیل نام خدا.

او جلال در اعلی است. پسر، پس از تطهیر، در دست راست خدا نشست. این نشان دهنده چیست؟ اولاً، برخلاف تمام قربانی‌های قبلی، کار او به پایان رسیده است.

تمام شد. دیگر قربانی برای گناهان وجود ندارد. دوم، به خاطر جایی که او نشسته بود، پدر قربانی او را می‌پذیرد.

کار او بی‌نقص است. دیگر هیچ شایستگی برای کسب شایستگی، هیچ قربانی برای انجام دادن، هیچ مجازاتی برای انجام دادن، و هیچ کاری که گناهان را پاک و تطهیر کند، وجود ندارد. این نهایت کار است، زیرا پسر، پس از تطهیر گناهان، در دست راست خدا نشست.

خدا بیش از این نمی‌خواهد. با احترام می‌گویم، خدا نمی‌تواند بیش از این بخواهد، و از آنجایی که کار پسر تمام شده و بی‌نقص است، بنابراین، نجات هر کسی که به او ایمان بیاورد، مؤثر یا کارآمد است. بنابراین، اگر به هر دلیلی به این نوار ویدیویی گوش می‌دهید و عیسی را نمی‌شناسید، و شاید فکر می‌کنید که برای او خیلی بد هستید که شما را بپذیرد، اشتباه می‌کنید.

اوه، حق با شماست. شما هم مثل بقیه ما بد هستید. ما در آدم بد هستیم، و به خاطر گناهان واقعی خودمان بد هستیم، اما عیسی نیامد تا افراد صالح را نجات دهد. او آمد تا گمشده‌ها را پیدا کند و نجات دهد، و اگر شما از گناهانتان برگردید و به او ایمان بیاورید، این شامل شما هم می‌شود.

هللویاه. قربانی بی‌نظیر مسیح، کامل، بی‌نقص و مؤثر است و هر کسی را که به او ایمان بیاورد، نجات می‌دهد. بنابراین، عبرانیان ۱ از مناصب نبوی و کاهنی پسر خدا صحبت می‌کند، اما نه به طور مطلق.

در نهایت، عبرانیان ۱ درباره پادشاهی اوست. من قبلاً در جریان فکری آیات ۱ و ۲ گفته‌ام، و ۳ مستقیماً به تا ۴ می‌رود، و آن کاربرد را بیان می‌کنم. با این وجود، این نشستن در دست راست خدا مربوط به کهانت ۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ۶، ۷، ۸، ۹، ۱۰، ۱۱، ۱۲، ۱۳، ۱۴، ۱۵، ۱۶، ۱۷، ۱۸، ۱۹، ۲۰، ۲۱، ۲۲، ۲۳، ۲۴، ۲۵، ۲۶، ۲۷، ۲۸، ۲۹، ۳۰، ۳۱، ۳۲، ۳۳، ۳۴، ۳۵، ۳۶، ۳۷، ۳۸، ۳۹، ۴۰، ۴۱، ۴۲، ۴۳، ۴۴، ۴۵، ۴۶، ۴۷، ۴۸، ۴۹، ۵۰، ۵۱، ۵۲، ۵۳، ۵۴، ۵۵، ۵۶، ۵۷، ۵۸، ۵۹، ۶۰، ۶۱، ۶۲، ۶۳، ۶۴، ۶۵، ۶۶، ۶۷، ۶۸، ۶۹، ۷۰، ۷۱، ۷۲، ۷۳، ۷۴، ۷۵، ۷۶، ۷۷، ۷۸، ۷۹، ۸۰، ۸۱، ۸۲، ۸۳، ۸۴، ۸۵، ۸۶، ۸۷، ۸۸، ۸۹، ۹۰، ۹۱، ۹۲، ۹۳، ۹۴، ۹۵، ۹۶، ۹۷، ۹۸، ۹۹، ۱۰۰، ۱۰۱، ۱۰۲، ۱۰۳، ۱۰۴، ۱۰۵، ۱۰۶، ۱۰۷، ۱۰۸، ۱۰۹، ۱۱۰، ۱۱۱، ۱۱۲، ۱۱۳، ۱۱۴، ۱۱۵، ۱۱۶، ۱۱۷، ۱۱۸، ۱۱۹، ۱۲۰، ۱۲۱، ۱۲۲، ۱۲۳، ۱۲۴، ۱۲۵، ۱۲۶، ۱۲۷، ۱۲۸، ۱۲۹، ۱۳۰، ۱۳۱، ۱۳۲، ۱۳۳، ۱۳۴، ۱۳۵، ۱۳۶، ۱۳۷، ۱۳۸، ۱۳۹، ۱۴۰، ۱۴۱، ۱۴۲، ۱۴۳، ۱۴۴، ۱۴۵، ۱۴۶، ۱۴۷، ۱۴۸، ۱۴۹، ۱۵۰، ۱۵۱، ۱۵۲، ۱۵۳، ۱۵۴، ۱۵۵، ۱۵۶، ۱۵۷، ۱۵۸، ۱۵۹، ۱۶۰، ۱۶۱، ۱۶۲، ۱۶۳، ۱۶۴، ۱۶۵، ۱۶۶، ۱۶۷، ۱۶۸، ۱۶۹، ۱۷۰، ۱۷۱، ۱۷۲، ۱۷۳، ۱۷۴، ۱۷۵، ۱۷۶، ۱۷۷، ۱۷۸، ۱۷۹، ۱۸۰، ۱۸۱، ۱۸۲، ۱۸۳، ۱۸۴، ۱۸۵، ۱۸۶، ۱۸۷، ۱۸۸، ۱۸۹، ۱۹۰، ۱۹۱، ۱۹۲، ۱۹۳، ۱۹۴، ۱۹۵، ۱۹۶، ۱۹۷، ۱۹۸، ۱۹۹، ۲۰۰، ۲۰۱، ۲۰۲، ۲۰۳، ۲۰۴، ۲۰۵، ۲۰۶، ۲۰۷، ۲۰۸، ۲۰۹، ۲۱۰، ۲۱۱، ۲۱۲، ۲۱۳، ۲۱۴، ۲۱۵، ۲۱۶، ۲۱۷، ۲۱۸، ۲۱۹، ۲۲۰، ۲۲۱، ۲۲۲، ۲۲۳، ۲۲۴، ۲۲۵، ۲۲۶، ۲۲۷، ۲۲۸، ۲۲۹، ۲۳۰، ۲۳۱، ۲۳۲، ۲۳۳، ۲۳۴، ۲۳۵، ۲۳۶، ۲۳۷، ۲۳۸، ۲۳۹، ۲۴۰، ۲۴۱، ۲۴۲، ۲۴۳، ۲۴۴، ۲۴۵، ۲۴۶، ۲۴۷، ۲۴۸، ۲۴۹، ۲۵۰، ۲۵۱، ۲۵۲، ۲۵۳، ۲۵۴، ۲۵۵، ۲۵۶، ۲۵۷، ۲۵۸، ۲۵۹، ۲۶۰، ۲۶۱، ۲۶۲، ۲۶۳، ۲۶۴، ۲۶۵، ۲۶۶، ۲۶۷، ۲۶۸، ۲۶۹، ۲۷۰، ۲۷۱، ۲۷۲، ۲۷۳، ۲۷۴، ۲۷۵، ۲۷۶، ۲۷۷، ۲۷۸، ۲۷۹، ۲۸۰، ۲۸۱، ۲۸۲، ۲۸۳، ۲۸۴، ۲۸۵، ۲۸۶، ۲۸۷، ۲۸۸، ۲۸۹، ۲۹۰، ۲۹۱، ۲۹۲، ۲۹۳، ۲۹۴، ۲۹۵، ۲۹۶، ۲۹۷، ۲۹۸، ۲۹۹، ۳۰۰، ۳۰۱، ۳۰۲، ۳۰۳، ۳۰۴، ۳۰۵، ۳۰۶، ۳۰۷، ۳۰۸، ۳۰۹، ۳۱۰، ۳۱۱، ۳۱۲، ۳۱۳، ۳۱۴، ۳۱۵، ۳۱۶، ۳۱۷، ۳۱۸، ۳۱۹، ۳۲۰، ۳۲۱، ۳۲۲، ۳۲۳، ۳۲۴، ۳۲۵، ۳۲۶، ۳۲۷، ۳۲۸، ۳۲۹، ۳۳۰، ۳۳۱، ۳۳۲، ۳۳۳، ۳۳۴، ۳۳۵، ۳۳۶، ۳۳۷، ۳۳۸، ۳۳۹، ۳۴۰، ۳۴۱، ۳۴۲، ۳۴۳، ۳۴۴، ۳۴۵، ۳۴۶، ۳۴۷، ۳۴۸، ۳۴۹، ۳۵۰، ۳۵۱، ۳۵۲، ۳۵۳، ۳۵۴، ۳۵۵، ۳۵۶، ۳۵۷، ۳۵۸، ۳۵۹، ۳۶۰، ۳۶۱، ۳۶۲، ۳۶۳، ۳۶۴، ۳۶۵، ۳۶۶، ۳۶۷، ۳۶۸، ۳۶۹، ۳۷۰، ۳۷۱، ۳۷۲، ۳۷۳، ۳۷۴، ۳۷۵، ۳۷۶، ۳۷۷، ۳۷۸، ۳۷۹، ۳۸۰، ۳۸۱، ۳۸۲، ۳۸۳، ۳۸۴، ۳۸۵، ۳۸۶، ۳۸۷، ۳۸۸، ۳۸۹، ۳۹۰، ۳۹۱، ۳۹۲، ۳۹۳، ۳۹۴، ۳۹۵، ۳۹۶، ۳۹۷، ۳۹۸، ۳۹۹، ۴۰۰، ۴۰۱، ۴۰۲، ۴۰۳، ۴۰۴، ۴۰۵، ۴۰۶، ۴۰۷، ۴۰۸، ۴۰۹، ۴۱۰، ۴۱۱، ۴۱۲، ۴۱۳، ۴۱۴، ۴۱۵، ۴۱۶، ۴۱۷، ۴۱۸، ۴۱۹، ۴۲۰، ۴۲۱، ۴۲۲، ۴۲۳، ۴۲۴، ۴۲۵، ۴۲۶، ۴۲۷، ۴۲۸، ۴۲۹، ۴۳۰، ۴۳۱، ۴۳۲، ۴۳۳، ۴۳۴، ۴۳۵، ۴۳۶، ۴۳۷، ۴۳۸، ۴۳۹، ۴۴۰، ۴۴۱، ۴۴۲، ۴۴۳، ۴۴۴، ۴۴۵، ۴۴۶، ۴۴۷، ۴۴۸، ۴۴۹، ۴۵۰، ۴۵۱، ۴۵۲، ۴۵۳، ۴۵۴، ۴۵۵، ۴۵۶، ۴۵۷، ۴۵۸، ۴۵۹، ۴۶۰، ۴۶۱، ۴۶۲، ۴۶۳، ۴۶۴، ۴۶۵، ۴۶۶، ۴۶۷، ۴۶۸، ۴۶۹، ۴۷۰، ۴۷۱، ۴۷۲، ۴۷۳، ۴۷۴، ۴۷۵، ۴۷۶، ۴۷۷، ۴۷۸، ۴۷۹، ۴۸۰، ۴۸۱، ۴۸۲، ۴۸۳، ۴۸۴، ۴۸۵، ۴۸۶، ۴۸۷، ۴۸۸، ۴۸۹، ۴۹۰، ۴۹۱، ۴۹۲، ۴۹۳، ۴۹۴، ۴۹۵، ۴۹۶، ۴۹۷، ۴۹۸، ۴۹۹، ۵۰۰، ۵۰۱، ۵۰۲، ۵۰۳، ۵۰۴، ۵۰۵، ۵۰۶، ۵۰۷، ۵۰۸، ۵۰۹، ۵۱۰، ۵۱۱، ۵۱۲، ۵۱۳، ۵۱۴، ۵۱۵، ۵۱۶، ۵۱۷، ۵۱۸، ۵۱۹، ۵۲۰، ۵۲۱، ۵۲۲، ۵۲۳، ۵۲۴، ۵۲۵، ۵۲۶، ۵۲۷، ۵۲۸، ۵۲۹، ۵۳۰، ۵۳۱، ۵۳۲، ۵۳۳، ۵۳۴، ۵۳۵، ۵۳۶، ۵۳۷، ۵۳۸، ۵۳۹، ۵۴۰، ۵۴۱، ۵۴۲، ۵۴۳، ۵۴۴، ۵۴۵، ۵۴۶، ۵۴۷، ۵۴۸، ۵۴۹، ۵۵۰، ۵۵۱، ۵۵۲، ۵۵۳، ۵۵۴، ۵۵۵، ۵۵۶، ۵۵۷، ۵۵۸، ۵۵۹، ۵۶۰، ۵۶۱، ۵۶۲، ۵۶۳، ۵۶۴، ۵۶۵، ۵۶۶، ۵۶۷، ۵۶۸، ۵۶۹، ۵۷۰، ۵۷۱، ۵۷۲، ۵۷۳، ۵۷۴، ۵۷۵، ۵۷۶، ۵۷۷، ۵۷۸، ۵۷۹، ۵۸۰، ۵۸۱، ۵۸۲، ۵۸۳، ۵۸۴، ۵۸۵، ۵۸۶، ۵۸۷، ۵۸۸، ۵۸۹، ۵۹۰، ۵۹۱، ۵۹۲، ۵۹۳، ۵۹۴، ۵۹۵، ۵۹۶، ۵۹۷، ۵۹۸، ۵۹۹، ۶۰۰، ۶۰۱، ۶۰۲، ۶۰۳، ۶۰۴، ۶۰۵، ۶۰۶، ۶۰۷، ۶۰۸، ۶۰۹، ۶۱۰، ۶۱۱، ۶۱۲، ۶۱۳، ۶۱۴، ۶۱۵، ۶۱۶، ۶۱۷، ۶۱۸، ۶۱۹، ۶۲۰، ۶۲۱، ۶۲۲، ۶۲۳، ۶۲۴، ۶۲۵، ۶۲۶، ۶۲۷، ۶۲۸، ۶۲۹، ۶۳۰، ۶۳۱، ۶۳۲، ۶۳۳، ۶۳۴، ۶۳۵، ۶۳۶، ۶۳۷، ۶۳۸، ۶۳۹، ۶۴۰، ۶۴۱، ۶۴۲، ۶۴۳، ۶۴۴، ۶۴۵، ۶۴۶، ۶۴۷، ۶۴۸، ۶۴۹، ۶۵۰، ۶۵۱، ۶۵۲، ۶۵۳، ۶۵۴، ۶۵۵، ۶۵۶، ۶۵۷، ۶۵۸، ۶۵۹، ۶۶۰، ۶۶۱، ۶۶۲، ۶۶۳، ۶۶۴، ۶۶۵، ۶۶۶، ۶۶۷، ۶۶۸، ۶۶۹، ۶۷۰، ۶۷۱، ۶۷۲، ۶۷۳، ۶۷۴، ۶۷۵، ۶۷۶، ۶۷۷، ۶۷۸، ۶۷۹، ۶۸۰، ۶۸۱، ۶۸۲، ۶۸۳، ۶۸۴، ۶۸۵، ۶۸۶، ۶۸۷، ۶۸۸، ۶۸۹، ۶۹۰، ۶۹۱، ۶۹۲، ۶۹۳، ۶۹۴، ۶۹۵، ۶۹۶، ۶۹۷، ۶۹۸، ۶۹۹، ۷۰۰، ۷۰۱، ۷۰۲، ۷۰۳، ۷۰۴، ۷۰۵، ۷۰۶، ۷۰۷، ۷۰۸، ۷۰۹، ۷۱۰، ۷۱۱، ۷۱۲، ۷۱۳، ۷۱۴، ۷۱۵، ۷۱۶، ۷۱۷، ۷۱۸، ۷۱۹، ۷۲۰، ۷۲۱، ۷۲۲، ۷۲۳، ۷۲۴، ۷۲۵، ۷۲۶، ۷۲۷، ۷۲۸، ۷۲۹، ۷۳۰، ۷۳۱، ۷۳۲، ۷۳۳، ۷۳۴، ۷۳۵، ۷۳۶، ۷۳۷، ۷۳۸، ۷۳۹، ۷۴۰، ۷۴۱، ۷۴۲، ۷۴۳، ۷۴۴، ۷۴۵، ۷۴۶، ۷۴۷، ۷۴۸، ۷۴۹، ۷۵۰، ۷۵۱، ۷۵۲، ۷۵۳، ۷۵۴، ۷۵۵، ۷۵۶، ۷۵۷، ۷۵۸، ۷۵۹، ۷۶۰، ۷۶۱، ۷۶۲، ۷۶۳، ۷۶۴، ۷۶۵، ۷۶۶، ۷۶۷، ۷۶۸، ۷۶۹، ۷۷۰، ۷۷۱، ۷۷۲، ۷۷۳، ۷۷۴، ۷۷۵، ۷۷۶، ۷۷۷، ۷۷۸، ۷۷۹، ۷۸۰، ۷۸۱، ۷۸۲، ۷۸۳، ۷۸۴، ۷۸۵، ۷۸۶، ۷۸۷، ۷۸۸، ۷۸۹، ۷۹۰، ۷۹۱، ۷۹۲، ۷۹۳، ۷۹۴، ۷۹۵، ۷۹۶، ۷۹۷، ۷۹۸، ۷۹۹، ۸۰۰، ۸۰۱، ۸۰۲، ۸۰۳، ۸۰۴، ۸۰۵، ۸۰۶، ۸۰۷، ۸۰۸، ۸۰۹، ۸۱۰، ۸۱۱، ۸۱۲، ۸۱۳، ۸۱۴، ۸۱۵، ۸۱۶، ۸۱۷، ۸۱۸، ۸۱۹، ۸۲۰، ۸۲۱، ۸۲۲، ۸۲۳، ۸۲۴، ۸۲۵، ۸۲۶، ۸۲۷، ۸۲۸، ۸۲۹، ۸۳۰، ۸۳۱، ۸۳۲، ۸۳۳، ۸۳۴، ۸۳۵، ۸۳۶، ۸۳۷، ۸۳۸، ۸۳۹، ۸۴۰، ۸۴۱، ۸۴۲، ۸۴۳، ۸۴۴، ۸۴۵، ۸۴۶، ۸۴۷، ۸۴۸، ۸۴۹، ۸۵۰، ۸۵۱، ۸۵۲، ۸۵۳، ۸۵۴، ۸۵۵، ۸۵۶، ۸۵۷، ۸۵۸، ۸۵۹، ۸۶۰، ۸۶۱، ۸۶۲، ۸۶۳، ۸۶۴، ۸۶۵، ۸۶۶، ۸۶۷، ۸۶۸، ۸۶۹، ۸۷۰، ۸۷۱، ۸۷۲، ۸۷۳، ۸۷۴، ۸۷۵، ۸۷۶، ۸۷۷، ۸۷۸، ۸۷۹، ۸۸۰، ۸۸۱، ۸۸۲، ۸۸۳، ۸۸۴، ۸۸۵، ۸۸۶، ۸۸۷، ۸۸۸، ۸۸۹، ۸۹۰، ۸۹۱، ۸۹۲، ۸۹۳، ۸۹۴، ۸۹۵، ۸۹۶، ۸۹۷، ۸۹۸، ۸۹۹، ۹۰۰، ۹۰۱، ۹۰۲، ۹۰۳، ۹۰۴، ۹۰۵، ۹۰۶، ۹۰۷، ۹۰۸، ۹۰۹، ۹۱۰، ۹۱۱، ۹۱۲، ۹۱۳، ۹۱۴، ۹۱۵، ۹۱۶، ۹۱۷، ۹۱۸، ۹۱۹، ۹۲۰، ۹۲۱، ۹۲۲، ۹۲۳، ۹۲۴، ۹۲۵، ۹۲۶، ۹۲۷، ۹۲۸، ۹۲۹، ۹۳۰، ۹۳۱، ۹۳۲، ۹۳۳، ۹۳۴، ۹۳۵، ۹۳۶، ۹۳۷، ۹۳۸، ۹۳۹، ۹۴۰، ۹۴۱، ۹۴۲، ۹۴۳، ۹۴۴، ۹۴۵، ۹۴۶، ۹۴۷، ۹۴۸، ۹۴۹، ۹۵۰، ۹۵۱، ۹۵۲، ۹۵۳، ۹۵۴، ۹۵۵، ۹۵۶، ۹۵۷، ۹۵۸، ۹۵۹، ۹۶۰، ۹۶۱، ۹۶۲، ۹۶۳، ۹۶۴، ۹۶۵، ۹۶۶، ۹۶۷، ۹۶۸، ۹۶۹، ۹۷۰، ۹۷۱، ۹۷۲، ۹۷۳، ۹۷۴، ۹۷۵، ۹۷۶، ۹۷۷، ۹۷۸، ۹۷۹، ۹۸۰، ۹۸۱، ۹۸۲، ۹۸۳، ۹۸۴، ۹۸۵، ۹۸۶، ۹۸۷، ۹۸۸، ۹۸۹، ۹۹۰، ۹۹۱، ۹۹۲، ۹۹۳، ۹۹۴، ۹۹۵، ۹۹۶، ۹۹۷، ۹۹۸، ۹۹۹، ۱۰۰۰.

او در دست راست جلال در اعلی‌ترین نشستن، و از فرشتگان، واسطه‌های وحی عهد عتیق، بسیار برتر شد، زیرا نامی که به ارث برده برتر از نام آنهاست. آن نام چیست؟ عیسی؟ نه، این نام انسانی اوست که قبل از تولدش به یوسف و مریم داده شده بود، که به معنای نجات‌دهنده یا خداوند نجات می‌دهد. نه، خداوند؟ نه، این نام در رستاخیز او در بوق و کرنا اعلام شد.

نه، این نام یا لقب پسر است، زیرا کدام یک از فرشتگان خدا هرگز به او می‌گویند: «تو پسر من هستی، امروز تو را به دنیا آورده‌ام؟» «یا باز، من برای او پدر خواهم بود و او برای من پسر خواهد بود. و باز، هنگامی که او نخست‌زاده را به جهان می‌آورد، من فکر می‌کردم که این درباره بیت‌لحم است.

این در متن وجود ندارد. این فصل در مورد تجلیل و نشست عیسی، نشستن او در دست راست خدا همانطور که او کمی قبل در مورد آن صحبت کرد، است. وقتی او به دنیای آسمانی می‌رود و در دست راست خدا می‌نشیند، خداوند، پدر، می‌گوید، همه فرشتگان خدا او را پرستش کنند.

آه، پسر خدا فرشته نیست. قلب من برای این فرقه‌ها غمگین است. و سال‌ها دعا می‌کردم که خدا کسی را، یکی از شاگردانم، برای خدمت به آنها برانگیزد.

بالاخره این کار را کرد. و کیتی یک طلبه با پیشینه علوم مسیحی بود که با عیسی مسیح آشنا شده بود. او خدمتی را آغاز کرده است که گمان می‌کنم اکنون در سراسر جهان گسترش یافته است.

خیلی زیباست. خدا از چیزهای کوچک و حقیر استفاده می‌کند. او دانش‌آموز خوبی بود اما دانش‌آموز خیلی خوبی نبود.

او عاشق خداوند بود. او کاملاً فروتن است. همه چیز از جانب خداست.

و خدا از او استفاده می‌کند تا دانشمندان مسیحی را به سوی مسیح بیاورد. و من از این بابت خوشحالم. من به فرقه‌ها فکر می‌کنم به خاطر انکار الوهیت مسیح که آنها را از فیض الهی محروم می‌کند.

مسیح فرشتگان را آفرید. کولسیان ۱، چیزهای مرئی و نامرئی. سپس پولس درباره چیزهای نامرئی صحبت می‌کند.

و او درباره تمایزات، هر معنایی که دقیقاً داشته باشند، بین فرشتگان صحبت می‌کند، چه رتبه‌بندی باشند و چه هر چیز دیگری. پسر فرشتگان را آفرید. و در اینجا، وقتی پسر پس از کار نجات‌بخش خود بر روی زمین به آسمان بازمی‌گردد و می‌نشیند، پدر می‌گوید، بگذارید همه فرشتگان خدا او را پرستند.

فرشتگان خدا فقط خدا را می‌پرستند. پسر مجسم شده است. بنابراین، می‌توان در این متن گفت که او خدایی دارد.

او به عنوان فرد مجسم، به پدر دعا می‌کند. و آیه ۹، خدایا، خدای تو، تو را با روغن شادی فراتر از یارانت مسح کرده است. در چارچوب جریان کتاب مقدس و این فصل، منظور از پسر در جاهایی مانند دوم سموئیل ۷، است، جایی که پسر از پادشاه، پادشاه اسرائیل، سلیمان و کل سلسله داوود صحبت می‌کند.

در اینجا، همراهان پسر خدا، پادشاهان زمینی هستند. و پسر خدا که مجسم شده، خدایی در آسمان دارد، یعنی پدر. اما به همین ترتیب، پدر می‌توانست پسر را به این شکل خطاب کند.

او در آیه ۸ با نقل قول از مزمور می‌گوید: «ای خدا، تخت تو تا ابد برقرار است.» بنابراین، پسر مجسم خداست و خدایی دارد. او هم خدا و هم انسان است، در یک شخص.

بنابراین، عبرانیان ۱ به طور کلی به مقام سلطنتی پسر خدا شهادت می‌دهد. تخت سلطنت او تا ابد برقرار است، آیه ۸. عصای راستی، عصای پادشاهی اوست. او نماینده خدا در خلقت بود، آیه ۱۰.

برخلاف خلقت که با گذشت زمان تجدید می‌شود، او تغییرناپذیر است. او تغییرناپذیر است، آیات ۱۰ تا ۱۲. تو همان هستی و سال‌های تو پایانی نخواهد داشت.

در واقع، من هیچ فصل دیگری در کتاب مقدس نمی‌شناسم که به اندازه عبرانیان ۱ به طور کامل الوهیت مسیح را آموزش دهد. پنج دلیل کلاسیک برای الوهیت او وجود دارد، و الوهیت او در یوحنا ۱، کولسیان ۱ به وضوح آموزش داده شده است. فیلیپیان ۲، متن بزرگ دو ایالت. اما هیچ یک از آنها هر پنج دلیل الوهیت عیسی را مانند این یکی ندارند.

عیسی از ذات خداست. ما آن را در آن زبان در آیه ۳ دیدیم، درخشش جلال خدا، نشان دقیق ذات او. او در آیه ۱۰ دارای عناوین الهی، خداوند، است.

در عهد جدید همیشه از خدا صحبت نمی‌کند، اما در این زمینه، با نقل قول از kurios بله، پروردگارا، کلمه مزبور، این کار را می‌کند. تو، پروردگارا، در ابتدا پایه‌های زمین را بنا نهادی و آسمان‌ها کار دست‌های تو هستند. این خالق است، پروردگارا.

پدر، پسر را خداوند می‌خواند. و به همین ترتیب، همانطور که در آیه ۸ دیدیم، پدر، پسر را خدا می‌خواند. بنابراین، ذات الهی، عناوین الهی، اعمال الهی.

پسر کاری را انجام می‌دهد که فقط خدا انجام می‌دهد. او آیه ۱۰ را می‌آفریند. او آیه ۲ را می‌آفریند. او کار مشیت الهی را در آیه ۳ انجام می‌دهد. او جهان را با کلام قدرت خود، مشابه کولسیان ۱، حفظ می‌کند. به وسیله او همه چیز قوام می‌یابد یا به هم متصل می‌شود.

تنها خداست که می‌آفریند و کار مشیت الهی را انجام می‌دهد و کار نجات را انجام می‌دهد، کاری که پسر انجام می‌دهد. او تطهیر می‌کند، آیه ۳. و تنها خداست که تمام این شب را به کمال می‌رساند. پسر، کامل‌کننده است. زیرا در آیه ۲، بلافاصله می‌گوید که خدا او را وارث همه چیز قرار داده است.

این مثل کولسیان ۱ است، جایی که می‌گوید همه چیز به وسیله‌ی او و برای او آفریده شد. این از اختصار استفاده می‌کند. او وارث است.

او آن را ساخت. او آن را حفظ می‌کند. او آن را نجات می‌دهد.

در نهایت همه چیز به او خواهد رسید. پسر، کارهای خدا را انجام می‌دهد. یکی دیگر از شواهد الوهیت خدا پرستش است.

فقط خدا مورد پرستش قرار می‌گیرد. این کاملاً درست گفته نشده بود. شریک دوست دارد مورد پرستش قرار گیرد.

تنها خداوند به حق و انصاف، شایسته پرستش است. بنابراین، دو بار در کتاب مکاشفه، یوحنا تحت تأثیر عظمت رؤیاهایی که دریافت می‌کند، قرار می‌گیرد. او به پای فرشتگانی می‌افتد که می‌گویند، نه، برخیزید.

ما هر دو خدا را می‌پرستیم. و در اعمال رسولان ۱۴، پولس و برنابا به عنوان خدا معرفی می‌شوند. آنها با مردم لیستره به زبان یونانی رایج صحبت می‌کردند، اما وقتی مردم عبادت می‌کردند، از زبان مادری خود استفاده می‌کردند و مردم شروع به صحبت به زبان خودشان کردند.

و پولس و برنابا کلمات را نمی‌فهمیدند، اما زبان بدن را می‌فهمیدند زیرا کاهن زئوس با حلقه‌های عبادت بیرون آمد و آنها قصد داشتند برای پولس و برنابا قربانی کنند و پولس را گوینده خدا و برنابا را که بزرگتر بود، زئوس

پادشاه خدایان، خواندند. و آنها لباس‌های خود را به عنوان یهودی، به نشانه انزجار یهودی، پاره کردند". چه کار می‌کنید؟ ما را پرستش نکنید

می‌بینید، وقتی پولس در مدرسه‌ی علوم دینی تاروسوس کلاس‌ها و مأموریت‌هایی داشت، دوره‌های خوبی داشت، اما هیچ‌وقت دوره‌ای در مورد اینکه اگر به یک مراسم عبادت دعوت شوید و شما الوهیت باشید، چه باید بکنید، نداشت. کاری که باید بکنید این است که لباس‌هایتان را پاره کنید. این کاری است که باید انجام دهید.

انسان‌های خوب و فرشتگان خوب مورد پرستش قرار نمی‌گیرند. خداوند عیسی مسیح همانطور که پدر در مورد عروج و جلسه مسیح، که در دست راست خدا نشسته است، به فرشتگان دستور می‌دهد، مورد پرستش قرار می‌گیرد. بگذارید همه فرشتگان خدا او را پرستش کنند

آیه شش. عیسی از ذات خداست. او القاب الهی دارد

او کارهای خدا را انجام می‌دهد. او مورد پرستش خدا قرار می‌گیرد. بله، من دارم سعی می‌کنم پنجمین دلیل الوهیت او را به خاطر بیاورم

.بخشید. گمش کردم. اون یکی رو هم داره

.خب، بذار فکر کنم. توی این متن هست. من اینو می‌دونم

.صفات. او صفاتی دارد که فقط خدا دارد. این فصل، همان فصلی است که قبلاً به اشتراک گذاشته‌ام

برخلاف خلقت گذرا، آیات ۱۰ تا ۱۲، او تغییرناپذیر و لایتغیر است. اما شما، برخلاف آسمان‌ها و زمین که آفریدید، آیه ۱۲، در نهایت، شما همان هستید و سال‌های شما پایانی نخواهد داشت. عبرانیان ۱ متن کلاسیک برای سه مقام مسیح است

اگر درست متوجه شده باشیم، او پیامبر بزرگ عهد جدید و پایان دهنده همه پیامبران است. او روح خود را بر پیامبران عهد جدید نازل می‌کند تا آنها بتوانند رسالت او را ادامه دهند. این بار، او این کار را از آسمان ادامه می‌دهد

او پیامبر آسمانی است که روح خود را بر پیامبران، پیامبران عهد جدید بر روی زمین، جاری می‌کند. او کاهن بزرگی است که با عمل منحصر به فرد خود به عنوان کاهن و قربانی، گناهان را یک بار برای همیشه پاک کرد. بالاتر از همه، در این باب، او پادشاه مسیحایی است که در دست راست خدا می‌نشیند تا زمانی که خدا دشمنانش را زیر پای او بگذارد

آیه ۱۳، البته، نقل قولی از مزمو ۱۱۰ و آیه ۱ است. این مقدمه ما را در مطالعه کار نجات‌بخش مسیح به پایان می‌رساند. ما نگاهی به داستان کتاب مقدس، خلقت، سقوط، رستگاری، شامل اسرائیل و کلیسا و کمال انداخته‌ایم. ما در مورد نجات در چشم‌اندازی از نجات که قبل از خلقت برنامه‌ریزی شده، توسط مسیح انجام شده، توسط روح‌القدس اعمال شده و توسط تثلیث به کمال رسیده است، فکر کرده‌ایم

ما کمی در مورد روش الهیاتی فکر کردیم، اینکه الهیات خوب چگونه باید مبتنی بر اصول باشد و هرگز از تفسیر متن کتاب مقدس دور نشود، اینکه چگونه این ماده اولیه اولیه برای الهیات کتاب مقدس است، و آموزه‌های کتاب مقدس را از طریق متون مقدس، به ویژه از عهد عتیق تا عهد جدید، ردیابی می‌کند. ما الهیات تاریخی را

در نظر می‌گیریم تا مبدا اشتباهات گذشته را تکرار کنیم و از موفقیت‌های گذشته درس بگیریم، همه اینها به سمت الهیات سیستماتیک، سازماندهی و کنار هم قرار دادن آموزه‌های کتاب مقدس که بتوانیم آنها را بفهمیم و به دیگران بیاموزیم، پیش می‌رود. من در مورد کتاب‌های کلیدی که به من و حتی چند کتاب از کتاب‌های خودم کمک کرده‌اند صحبت کردم.

باید بگویم که این کار را با فروتنی زیادی انجام دادم. من فقط دارم شوخی می‌کنم، ای تماشاگران و شنوندگان نکات کتاب مقدس، متون عالی زیادی وجود دارد، اما هیچ‌کدام بهتر از اشعیا ۵۳ و رومیان ۳:۲۰، ۲۱ تا ۲۶ نیستند.

اینها واقعاً متون شگفت‌انگیزی هستند. ما مدتی، چند ساعت، تاریخ آموزه کفار را مطالعه کردیم تا به ما دیدگاهی بدهد، گام‌های واقعی در درک مسیح و کاری که او برای ما انجام داد را به ما نشان دهد، و در عین حال، اشتباهاتی را که گاهی فاحش هستند و می‌خواهیم از آنها اجتناب کنیم، به ما نشان دهد. سپس به مسیح‌شناسی فکر کردیم و آن را با بررسی سه مقام پیامبر، کاهن و پادشاه مسیح به پایان رساندیم.

حالا، در ساعات آینده، از همین الان، می‌خواهیم به کاری که عیسی برای نجات ما انجام داد فکر کنیم، یعنی اعمال یا رویدادهای نجات‌بخش او. من نه تا از آنها را می‌شمارم. هسته، و می‌توانیم آن اسلاید را بالا بگذاریم، خوب خواهد بود.

هسته، مرگ و رستاخیز اوست. هیچ چیز از این حقیقت کم نمی‌کند که کار نجات‌بخش اصلی عیسی، مرگ و رستاخیز او، به عنوان یک واحد، است. اگر این دو، یعنی مرگ و رستاخیز او را جداگانه در نظر بگیریم، رویدادهای نجات‌بخش اصلی خداوند عیسی مسیح هستند.

با این حال، این رویدادهای نجات‌بخش اصلی تنها نیستند. آنها در داستان عیسی مسیح گنجانده شده‌اند، و از این رو تجسم و زندگی بی‌گناه او دو پیش‌فرض اساسی مرگ و رستاخیز او هستند. بدون تجسم و زندگی بی‌گناه او، مرگ و رستاخیز خداوند عیسی وجود نمی‌داشت.

این درست نیست. ما وقایع نجات‌بخش مسیح را می‌خواهیم. و سپس پس از مرگ و رستاخیز او، پنج پیامد یا نتیجه اساسی وجود دارد که عبارتند از عروج او، نشستن او در دست راست خدا، فرستادن روح القدس در پنطیکاست، شفاعت او، و کار نجات‌بخش او که در بازگشت او و آمدن دوم او به اوج خود می‌رسد.

جان استات در کتاب بزرگ خود، صلیب مسیح، به ما یادآوری می‌کند که هر دین و ایدئولوژی نماد بصری خود را دارد. او به ما می‌گوید که بودیسم گل نیلوفر آبی، یهودیت مدرن ستاره داوود و اسلام هلال ماه را دارد. مسیحیت، به طرز عجیبی، نمادش صلیب است.

از ابتدا اینطور نبود. در اوایل، یک نماد مسیحی طاووس بود که نماد جاودانگی، کبوتر، تاج پیروزی کماندار و به خصوص ماهی بود که در یونانی ایختوس است و حروف آن به صورت آناکرونیمس درآمده است: عیسی مسیح، پسر خدا، نجات دهنده. من شما را با صحبت کردن به زبان یونانی خسته نمی‌کنم.

استات با خودش فکر می‌کند و می‌گوید، می‌دانید، واقعاً طیف وسیعی از احتمالات وجود داشت. می‌توانست آخوری باشد که عیسی هنگام تولد در آن گذاشته شد. در مورد میز نجاری که در آن کار می‌کرد چطور؟ قایقی که در جلیل از آن تدریس می‌کرد؟ پیش‌بندی که برای شستن پاهای شاگردانش می‌پوشید؟ سنگی که از دهانه مقبره غلتانده شد؟ من خودم واقعاً آن را دوست دارم.

من صلیب را رها نمی‌کنم، اما به دلیل معامله‌ی رستاخیز مرگم، گزینه‌ی من سنگ، صلیب و سنگ با هم خواهد بود. تختی که او با پدر به اشتراک می‌گذارد؟ کیوتر نماد فرستادن روح او به پنطیکاست است. البته چیزی که در نهایت به نماد تبدیل شد، صلیب مسیح است.

مصلوب شدن، با وحشتی که به همراه داشت. در قرن اول، بحث در مورد این واقعه در جامعه‌ی متمدن ممنوع بود. شهروندان رومی از این شکنجه معاف بودند.

گاهی اوقات، مردم روزها بر روی صلیب می‌ماندند و این مجازات عمدی شکنجه برای جنایاتشان بود. پولس در غلاطیان ۶:۱۴ می‌گوید: «شگفت‌آور است که جز به صلیب خداوندان عیسی مسیح، به چیزی فخر نکنم.» مطمئناً، این عجیب است.

به گیوتین افتخار کردن؟ به صندلی الکتریکی افتخار کردن؟ به طناب دار افتخار کردن؟ من اینطور فکر نمی‌کنم. همه اینها خیلی عجیب هستند، و بنابراین در ابتدا فکر می‌کنیم که به این ابزار شکنجه افتخار می‌کنیم، اما البته وقتی بفهمیم که چرا پولس به خود می‌بالد و آن صلیب چه چیزی را در بر داشت، یعنی مرگ کفاره‌ای پسر خدا، ما نیز به صلیب افتخار می‌کنیم. هر چقدر هم که عجیب به نظر برسد، در واقع ترجیح من این است که سنگ را به صلیب اضافه کنیم.

برای اشاره به رستاخیز مردگان توسط عیسی، اما فکر نمی‌کنم در حال حاضر چیزی را تغییر دهم. کار نجات‌بخش مسیح عمیق، عظیم و باشکوه است. این کار به خاطر کسی که آن را انجام داد، عمیق است.

راز تجسم، معجزه‌ای از جانب خدا، معجزه‌ای در نهایت غیرقابل درک از جانب خدا. اوه، به زبان معلم مشهور اوایل قرن بیستم، چارلز هاج، ما تجسم را درک می‌کنیم. آیا شما تجسم را درک نمی‌کنید؟ معنای قدیمی‌تر درک چیزی که کاملاً در اعماق آن نفوذ می‌کند.

تصور انسان شدن خدا حماقت نیست، اما ما نمی‌توانیم کاملاً بفهمیم که این به چه معناست. نتیجه این است که این مرد، عیسی ناصری، خدا و انسان در یک شخص است. راز آن تجسم، راز خود را به صلیب مسیح وام می‌دهد.

سه ساعت رنج بر روی صلیب، نجات میلیاردها انسان را به همراه داشت، که هرگز از رستاخیز او جدا نشدند؛ من آن را درک می‌کنم و آن را با هفت رویداد دیگر مرتبط می‌دانم، باشه؟ می‌فهمم، اما این باورنکردنی است. این عمیق است. آموزه‌های کتاب مقدس بسیار گسترده است.

من کتاب ۵۰۰ صفحه‌ای «نجات به دست پسر، کار مسیح» را در مورد کار مسیح نوشته‌ام، و شاید این کتاب قسمت‌های اصلی را پوشش دهد، اما چیزهای بیشتری هم هست. چیزهای خیلی بیشتری هم هست، و کار نجات‌بخش مسیح نه تنها عمیق و عظیم است، بلکه باشکوه هم هست. باشکوه است.

بره، تصویر اصلی پسر، نجات‌دهنده، در کتاب مکاشفه، توسط قومش، قوم رستاخیز یافته‌اش در زمین جدید، تا ابد پرستش خواهد شد. اکنون، مردم به او خدمت خواهند کرد، و آنها کاری بیش از یک گروه کر ساده انجام خواهند داد.

اوه، اما آنها از اینکه یک گروه کر باشند لذت خواهند برد. فرهنگ رهایی‌یافته‌ای وجود خواهد داشت، همانطور که در پایان مکاشفه ۲۱ آمده است، پادشاهان زمین جلال خود را به شهر مقدس، اورشلیم جدید می‌آورند. این برداشت من است، و از زمان هرمان باوینک، اجماع متکلمان اصلاح‌طلب انجیلی بر این است.

که فرهنگ رهایی‌یافته‌ای در زمین جدید وجود خواهد داشت، و هرگونه اقدام شریفی وجود خواهد داشت، و شما می‌توانید آن را کشف کنید.

شما می‌خواهید زبان یاد بگیرید، می‌توانید این کار را میلیون‌ها سال انجام دهید، و می‌خواهید نجاری خود را واقعاً کامل کنید، یا شاید کمی فوتبال بازی کنید، یا می‌خواهید با بزرگترین معلمان تمام دوران آواز بخوانید، و سازها را یاد بگیرید، و همینطور ادامه دارد، و من نمی‌توانم به طور کامل این چیزها را درک کنم. ما نمی‌توانیم. ما تا حدی می‌فهمیم.

به هر حال، کار نجات‌بخش مسیح عمیق، عظیم و باشکوه است. متأسفانه، متأسفانه، به دلیل اختلاف نظر. پی‌سابقه بین مسیحیان انجیلی در مورد اهمیت کار نجات‌بخش عیسی، باید کار نجات‌بخش او را مطالعه کنیم. جلد ۲۰۰۶، «ماهیت کفاره»، شامل چهار دیدگاه بود.

گرگوری ای. بوید استدلال کرد که مضمون مسیح ویکتور، مضمون اصلی و درک کتاب مقدس از کفاره است. به جز هیچ چیز دیگری. هر چیز دیگری باید در ذیل آن قرار گیرد.

تام شراینر گفت، نه، این اشتباه است، و اتفاقاً آنها در این جلد، «ماهیت کفاره»، با یکدیگر تعامل داشتند. تام شراینر می‌گوید، نه، این جایگزینی مجازات است که آن جایگاه را اشغال می‌کند. مضامین متعددی وجود دارد، اما جایگزینی مجازات به طور کلی مهم‌ترین آنهاست.

بروس رایسنباخ از دیدگاه شفاف‌بخشی دفاع می‌کند. وقتی در مورد شش مضمون اصلی کفاره صحبت کردم، حتی فقط در پیش‌نمایش، گفتم که مضامین بسیار بیشتری وجود دارد، و بله، اگر بخواهید، یک مضمون درمانی وجود دارد، اما این یک مضمون اصلی نیست، و مطمئناً نباید به این شکل به عنوان مضمون اصلی ارائه شود. جوئل گرین، یک محقق برجسته عهد جدید در سنت و سلی، مردی درخشان، از جایگزینی مجازات متنفر است.

متأسفم، او این کار را می‌کند، و دیدگاه او دیدگاهی چندوجهی است. یعنی هیچ مدل یا استعاره‌ای از کفاره کافی نیست. من با این موافقم، و با این حال در نهایت به جایگزینی مجازات افتخار می‌کنم یا آن را ستایش می‌کنم. و از اینکه برادری به خردمندی و خداترسی جوئل گرین با جایگزینی مجازات مخالف است، متأسف هستم.

من متوجه هستم که از آن سوءاستفاده شده است. من این بخش را درک می‌کنم، و من هم با سوءاستفاده‌ها قرار دادن پدر در مقابل پسر و از این قبیل چیزها مخالفم، اما این آموزه‌های کتاب مقدس در هر دو عهد است، و این غم‌انگیز است. شواهد بیشتر در مورد سردرگمی در مورد کار مسیح، پیام گمشده عیسی توسط دو نفر از تبلیغ‌کنندگان مشهور بریتانیایی ایمان مسیحی، برادران مسیح، به ویژه استیون چالک و همکارش آلن مان، در سال ۲۰۰۳ است.

پیام گمشده عیسی طوفانی در بریتانیای کبیر ایجاد کرد زیرا آنها جایگزینی مجازات را رد کردند. سال‌ها این امر در بین متکلمان لیبرال رایج بود. انجیلی‌ها نیز همین کار را کردند و مردم حتی از آن خبر نداشتند یا اهمیتی نمی‌دادند.

این کتاب آن را در صفحه رادار خود قرار داد. بوم! مردم فریاد زدند و محققان گوش دادند، و در سال ۲۰۰۵ تصادفی نیست که تاریخ آن کنفرانس، دو سال پس از انتشار کتاب، سمپوزیوم لندن در مورد الهیات کفاره با حضور انجیلی‌ها از دیدگاه‌های بسیار متفاوت برگزار شد و در نهایت منجر به انتشار کتابی در سال ۲۰۰۸ به نام «مناظره کفاره» شد. کتاب خوبی است.

کتاب خوبی است. منصفانه است. منصفانه است.

ما باید کار نجات بخش مسیح را مطالعه کنیم، زیرا در میان انجیلی‌ها در مورد این موضوع مهم اتفاق نظر وجود ندارد. دلیل دیگری که باید آن را مطالعه کنیم، غفلت از رستاخیز خداوند عیسی مسیح است. البته انجیلی‌ها آن را به طور کامل نادیده نگرفته‌اند.

ما به دو دلیل آن را تأیید کرده‌ایم. اولاً، انجیلی‌ها، از زمان بحث‌های بنیادگرایان مدرن، به درستی بر تاریخی بودن رستاخیز تأکید کرده‌اند. این یکی از اصول اساسی ایمان بود.

پدر، پسر را زنده کرد، بنابراین در مقابل انکار لیبرال‌ها، استفاده‌ی دفاعی از رستاخیز عیسی مسیح وجود دارد. این استفاده‌ی خوبی است. عیسی زنده است.

آن در تاریخ اتفاق افتاده است، نه در نوعی تاریخ متافیزیکی. این در تاریخ واقعی روی زمین اتفاق نیفتاده است، بلکه از نظر معنوی، به عنوان یک رویداد اتفاق افتاده است. نه، نه.

این به عنوان یک رویداد در زمان و مکان اتفاق افتاد و اهمیت معنوی زیادی دارد. بنابراین این کاربرد به خوبی شناخته شده است. کاربرد دیگر، و کاربرد خوبی هم هست، تأیید رستاخیز خداوند عیسی مسیح به عنوان نشان دهنده اثربخشی صلیب است.

این خوبه. درسته. اما چیزی که می‌خواهم بگویم اینست که این دو تا دلیل خوب برای تأیید رستاخیز عیسی هستن.

کاربرد دفاعی و کاربرد آن بر اثربخشی و کارایی مسیح در نجات مرگ تأکید دارد. اما در الهیات عهد جدید، به ویژه الهیات پولسی، رستاخیز عیسی نجات بخش است. این خود یک رویداد نجات بخش است که هرگز از صلیب جدا نمی‌شود، همانطور که صلیب هرگز نباید از قبر خالی جدا شود.

اما این یک رویداد نجات بخش است و ما می‌خواهیم آن را بررسی کنیم. یک اهمیت نجات بخش وجود دارد. من فقط یک آیه را نقل می‌کنم، اول قرن‌تین ۱۵، فصل رستاخیز بزرگ در آیه ۱۷.

اگر مسیح زنده نشده باشد، ایمان شما بیهوده است و شما هنوز در گناهان خود هستید. رستاخیز مسیح برای کفار پسر خدا حیاتی است. من نه رویداد نجات بخش را برمی‌شمارم.

تجسم عیسی و زندگی عاری از گناه، پیش‌نیازهای اساسی رویدادهای اصلی، یعنی مرگ و رستاخیز او هستند. و سپس، پنج نتیجه اساسی به دنبال آن می‌آیند: عروج، جلسه، نشستن در دست راست خدا، پنطیکاست، شفاعت، ظهور مجدد.

اگر خدا بخواهد، می‌خواهیم امروز تک تک آنها را در ساعات آینده، در این سخنرانی‌ها بررسی کنیم. و اگر خدا بخواهد، به محض تأکید، این کار را انجام خواهیم داد. من این را قبلاً یک بار گفته‌ام، اما ارزش تکرار دارد.

کتاب مقدس بسیار واضح است: ما به واسطه اعمال خود نجات نمی‌یابیم. زیرا به فیض، شما از طریق ایمان نجات یافته‌اید، افسسیان ۲: ۸ و ۹. این نتیجه عمل نیست که هیچ کس نباید به آن ببالد. بلکه ما به واسطه عمل یا اعمال عیسی نجات یافته‌ایم.

منظور ما از کار مسیح چیست؟ رابرت لیم در کتاب فوق‌العاده‌اش با عنوان «کار مسیح» پاسخ می‌دهد. به طور خلاصه، منظور ما از کار مسیح، تمام کارهایی است که مسیح هنگام آمدن به زمین برای ما و نجات ما انجام داد. او از اعتقادنامه‌ها نقل قول می‌کند.

تمام کارهایی که او اکنون که از مردگان برخاسته و در دست راست خدا قرار دارد، همچنان انجام می‌دهد، و تمام کارهایی که هنگام بازگشت باشکوه در پایان عصر انجام خواهد داد. این، در واقع، درست است. ما پس از یک وقفه دوباره برمی‌گردیم و در سخنرانی بعدی خود، وقایع نجات‌بخش خداوند عیسی مسیح را بیشتر دنبال خواهیم کرد.

این دکتر رابرت پترسون در حال تدریس در مورد کارهای نجات‌بخش مسیح است. این جلسه ۹، سه مقام مسیح، بخش ۳، و ۹ رویداد نجات‌بخش مسیح، بخش ۱ است.